

زن و مرد در اوستا

علی اکبر جعفری

زن راستکاری را گرامی می‌داریم که
در اندیشه نیک بالیده است،
در گفتار نیک پسندیده است،
در کردار نیک برگزیده است،
در راستی و درستی ورزیده است،
خوب آموخته و نیک پروریده است،
و از آرامش درونی برخوردار،
چون زنانی است که در راه راستی،
به‌خدای دانای خود رسیده‌اند.

مرد راستکاری را گرامی می‌داریم که
در اندیشه نیک والاتر است،
در گفتار نیک برتر است،
در کردار نیک بهتر است،
و از آیین دینی که خود برگزیده
چنان آگاه و هوشیار است
که هیچ نشانی در او
از پیروی کورکورانه دیده نمی‌شود.

اینان با کارهای خود، جهان را
در پرتو آیین راستی پیش می‌برند.

(اویسروترم‌گاه - نماز شب و ویسپرد - کرده ۳)

درباره زن و مرد، بویژه درباره زن، بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند که برخی از این گفته‌ها و نوشته‌ها حقیقت را می‌نمایند و برخی جز ادعا چیزی نیست. درباره زن می‌توان گفت که در هر زمانی و هر مکانی در برابر مرد مقامی داشته که از سرور همه چیز گرفته تا برده بی‌چیز بوده. از یک سوی دین‌های پیشرو جایگاه بلندی به او بخشیده‌اند و

همچنین از واژه‌هایی مانند «نمانو پتئی» به اوستا (کدبانو) و «گره پتئی» به سنسکرت (خانه بانو) و «رَبَّةُ الْبَيْتِ» به عربی (خانه پرور) و جزآن به زبان‌های دیگر جهان و از ارجی که همه به «مادر» می‌گذارند، پیدا است که او در برخی از انجمن‌ها مقامی بس بلند و ارجمند داشته و از سوی دیگر، داستان‌های کامگذاری بعضی از مردمان جهان در دوره‌های زمان از افت ناگوارش سخن دارند و امروز هم در جهان غرب به اصطلاح متمدن و پیشرفته، با همه ادعاهای برابری زن و مرد، تنها نگاه گذرایی به آگهی‌های درخشان و فراوان آن سامان بس است که دریا بیم زن در دست بازرگانان آزمند باز بچه‌یی بیش نیست.

اما ما سخن از اوستا داریم و از گات‌ها، سرودهای الهامی اشو زرتشت اسپنتمان آغاز می‌کنیم. می‌گوید:

بس بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید
و با اندیشه روشن بنگرید.
سپس هر زن و مرد از شما
از این دو راه نیکی و بدی
یکی را برای خود برگزیند.
این آیین را پیش از آن که بزرگ،
روز برگزینی راه زندگانی معنوی و مادی
فرا رسد، دریابید و نیک بفهمید.

(سرود ۳ - بند ۲)

گات‌ها به‌همه، هر زن و هر مرد، آزادی برگزیدن دین و ایمان، راه و روش می‌دهد اما می‌خواهد این از روی اندیشه روشن و سنجش درست باشد و سپس به آنانی که دین بھی را برگزیده، با اشو زرتشت هم‌دین و هم‌باور شده‌اند، می‌گوید:

ای خدای دانا، همه آن مردان و زنانی
که از زندگانی آن‌چه را که تو بهترین می‌شماری،
یعنی نیکویی برای راستی و توانایی برای منش نیک
به من ارمغان می‌دارند،
من با آنان به نیایش تو خواهم آمد
و از بل چینوت، آن مرز رستگاری، خواهم گذشت.

(سرود ۱۱ - بند ۱)

برای اشو زرتشت زن و مرد یکسان هستند و می‌خواهد همه کسانی که با وی در کار دینی هم‌کار گردیده‌اند و از روی اندیشه نیک به نیکویی پرداخته، آیین راستی را استوار می‌سازند، در سرود خدایی هم‌نوا شوند و یکسره راستکار شده، رستگار گردند. اشو زرتشت در سرودی دیگر چنین زنان و مردان را بدین گونه می‌ستاید:

نزد من هر زن و مردی که از روی راستی رفتار کند
خدای دانا او را در برابر پرستش و خدمت بهتر می‌شناسد.
از چنین کسانی، چه آنانی که بودند و چه هستند
من با نام یاد می‌کنم و با مهر و محبت گرد آنان می‌گردم.

(سرود ۱۶۵ - بند ۲۲)

این جا است که می‌بینیم که ارج مردم، چه زن و چه مرد، نزد خدا از روی «عبادت و خدمت» است و بس. آن اشو چنین مردان و زنان خدا را، هم آنانی که در گذشته‌اند و هم آنانی که زنده هستند، یسی گرامی می‌دارد و یکایک آنان را با نام یاد می‌کند و «گرد آنان می‌گردد». چه ارجگذاری از این والاتر، چه قدردانی از این بالاتر! از همین سنت و خشوری است که نام‌های همه خدمت‌گذاران دین بهی عصر اشو زرتشت و یاران را، زن و مرد و پیر و جوان، در فروردین یشت داریم و انگی به همه مردان و زنان راستکار سر تا سر جهان، مرده و زنده و آینده درود فرستاده شده با آن که این سنت هنوز در میان زرتشتیان زنده مانده، آن بیشتر به شکل یاد بود در گذشتگان درآمده اما گات‌ها ارج زندگان و آیندگان را هم با همان خوبی می‌گذارد و این نکته مهم بزرگداشت گات‌هایی است.

ولی این بسته نیست. ببینیم درباره رشتۀ زناشویی چه می‌فرماید؟ در آخرین سرود گات‌ها، خطاب به پوروچیستا چنان آمده:

همسری را، ای پوروچیستای اسپنتمان هیجدسیان
ای کوچکترین دختر زرتشت
به تو بدهاد که همواره با منش نیک و راستی و خدای دانا است.
با او خردمندانه مشورت کن
و با دانش نیک و افزاینده‌ترین آرامش رفتار کن.

پوروچیستا در پاسخ این آفرین پدر مهربان می‌گوید:

بی‌گمان او را که پدر و سرور
خانواده و آبادگران گمارده شده
به همسری خود برمی‌گزینم.
بشود که روشنایی منش نیک به من برسد
زیرا زنی راستکار در میان مردم راستکار می‌باشم.
بشود که خدای دانا به من
دین بهی را برای همیشه ارزانی دارد.

(سرود ۱۷ - بندهای ۳ تا ۴)

او، به گفته نوشته‌های پهلوی، جاماسب را برمی‌گزیند و این شاگرد بس برجسته

زرتشت که در آموزشگاه نو بنیاد دینی به مردم گات‌ها می‌آموخت و دین می‌گسترده، پس از درگذشت آن اشو، جانشین وی گردید و از دانش و بی‌ش و رأی و هوش او داستان‌هایی داریم.

بدینسان زن آزادی پسندیدن و برگزیدن همسر خود را می‌یابد و در راه آبادی جهان و گسترش دین بهی همگام و همکار مرد می‌گردد.
باز چه خوش گفته:

سخنم با شما است.

ای نوع‌روسان و ای تازه دامادان!

آن را در مغز خود جای دهید

و دین را درست دریافته

زندگانی را با منش نیک به‌سر کنید.

بشود که هر یک از شما

بر دیگری در راستی و درستی سبقت جوید.

بی‌گمان چنین تلاشی

زندگانی هر کدام را کامیاب خواهد ساخت.

(سرود ۱۷۵ - بند ۵)

با این سخنان نغز خود، اشو زرتشت شالوده خانواده را استوار می‌ریزد و بنیاد نخستین واحد اجتماع را می‌گذارد، زیرا آن کانون گرم و پرمهر خانوادگی است که زنان و مردان راستکار بار می‌آورد و آنان هستند که دست در دست دیگر خانواده‌های نیک داده، برزن خوبی را پدید می‌آورند و از برزن‌ها شهرستان و از شهرستان‌ها کشور و از کشورهای همبسته، جهان آباد و شاد و آرام و باکام پدید می‌آید.

این بود واحدهای تصاعدی اجتماع زرتشتی که گات‌ها آن را «سازمان دوستی آرزو شده» می‌نامد و «انجمن مغان» می‌خواند و به هم‌دینان هشدار می‌دهد که «بهره انجمن مغان تا روزی از آن شما است که در زندگانی زناشویی، چه در فراخی و چه در تنگی، دارای والاترین مهر و محبت هستید» و اگر از این اصل سر باز بزنید و سازمان آبادانی جهان را زیان برسانید، انجام بس افسوسناکی خواهید داشت. (سرود ۱۷۵ - بند ۷). می‌گوید آن «با سازمان دهی درست است که به زنان و مردان در خانه‌ها و شهرها آشتی و آرامش می‌رسد و این بهترین جلوگیری از نابودی است.» (بند ۸)

گات‌ها با این نیایش نغز پایان می‌یابد:

بشود که برای یاری و مهربانی زنان و مردان زرتشتی،

برای یاری و مهربانی که از آن منش نیک است،

سازمان دوستی آرزو شده پدید آید

تا وجدان هر کس پاداش شایسته خود را دریابد

وآن پاداش، راستی و درستی است. این آن آرزو و آرمان است که خدای دانا می‌پسندد.

همه آرزوی يك جهان آرماني را که در آن همه خوبی و نیکی، راستی و درستی باشد، در دل دارند. گات‌ها می‌خواهد زن و مرد، چون همبر و همسر و همراه و عمرای یکدیگر، آن جهان را آباد سازند و روان‌های خود را شاد جاویدان گردانند.

از گات‌های الهامی، دیگر بخش‌های اوستا الهام گرفته‌اند و در آن‌ها، به ویژه در نمازهای روزانه، به زنان و مردان راستکار و درست‌کردار بارها و بارها درود فرستاده و ارج گذاشته شده است و هیچ نیازی نیست که آن‌همه بزرگداشت یکنواخت را در این جا بازگو نماییم و به چند نمونه دلچسب بسنده می‌کنیم.

پس از گات‌ها، هفت‌هات پاک‌ترین بخش اوستاست. در آن برای زن و مرد چنین آمده: راستکاران را، هر کجا که زاده باشند، مرد باشند یا زن، گرمی می‌داریم... زیرا آنان از قانون پیروی می‌کنند و وجدان‌های نیکشان در حال پیشروی است... این زنان و مردان پیشرو جاویدان، همیشه پیروز و همیشه افزون هستند... و با اندیشه نیک خود در آرامش و آشتی زندگانی می‌کنند. (سرود ۵ - بندهای ۲ و ۳) هفت‌هات می‌افزاید: هر چه يك مرد یا يك زن حقیقت را بیشتر دریابد، بهتر است. او باید آن را خود نیک به کار بتدو و به دیگران نیز بیاموزد تا آنان هم آن را چنان که شاید و باید، به‌ورزند. (۶-۱). از روی همین اصل پژوهش و افزایش دانش و بینش است که هفت‌هات به هردو، زن و مرد، حق یکسان رهبری و پیشوایی معنوی و مادی در همه امور زندگانی می‌بخشد. (۷-۲). در هیریدستان، بخش دیگری از اوستا که راهنمای برگزاری مراسم مذهبی است، زن مانند مرد می‌تواند پیش‌نماز شود و در رأی خود آزاد است که حتی بدون آگاهی شوهر خود در چنین مراسم شرکت کند و اگر بنا باشد که با در نظر گرفتن رزق و روزی خانواده، یکی از زن و شوهر برای پیش‌نمازی برود، آن می‌رود که در آن زمان کارش کمتر از دیگر باشد (هیریدستان - ۵، ۶، ۴۰).

باز می‌گردیم به آغاز نوشتار خود و آن بخشی از نیایش نماز شب از نمازهای پنج-گانه روز است و با اندک دیگرگونی در عبارت در نماز جماعت در ویسپرد، کتابچه جشن‌ها، نیز آمده. در این نیایش، پس از ارجگذاری از جوانانی که خود را به آموزش دین و گسترش آیین می‌سپارند و یا در یک جای به کار خود می‌پردازند یاد گردش می‌باشند، از زنان و مردانی یاد می‌شود که همان‌گونه که خواندیم، به پیروی از پند گات‌ها، در اندیشه، گفتار و کردار نیک بر یکدیگر سبقت می‌جویند و هردو از دانش و بینش معنوی و مادی برخوردار بوده، در پیشبرد جهان هم‌چنان کوشا می‌باشند.

این فشرده‌یی بود از آنچه در گات‌ها و دیگر بخش‌های دینی اوستا آمده. اما در دو

جای در نظم‌های حماسی که یادگاری از دورهٔ رزمی اوستا می‌باشند، از زنان اشرافی‌پاد شده. در ارت یشت می‌بینیم که در کاخ‌های سرداران «زنان عزیزشان بر تخت‌های زیبا بر بالش‌ها آرمیده و خود را با دست‌بندها و گردن‌بندها و گوشواره‌های چهارگوش و آویزان زرنشان آراسته، چشم به‌راه خان‌خدایان خود می‌باشند که بیایند و از تنشان شادکام گردند» و «دختران آنان، زیبا، انگشت دراز، خلخال به پای و کمر بند به میان دارند... اندامشان به‌اندازه‌ی زیبا است که نگاه را لذت می‌بخشد». (بندهای ۱۵ و ۱۶). در آبان یشت، ایزد بانو اردوی سورا ناهید را چون «دوشیزه‌ی آزاده، توانا، زیبا، خوش‌اندام، بلند بالا، با بازوان سفید، سینه‌های برجسته، تاج زرین صد ستاره و هشت گوشهٔ چرخ نما و نواردار بر سر، گوشواره‌های زرین چهارگوشه در گوش، گردن بند دور گردن زیبا، کمر بند تنگ به‌میان، جامهٔ زرین برتن، بالاپوش پوست درخشان چون سیم و زر بر دوش، کفش‌های درخشندهٔ زرین بند در پای، بسیار آراسته و پیراسته، بر گردونهٔ چهار اسبه سوار» می‌بینیم (بندهای ۷، ۱۳، ۶۴، ۷۸، ۱۲۶ تا ۱۲۹). برعکس این، زن در وندیداد یا کتاب بهداشتی اوستا، با ناپاکی و پرهیز و «قرنطینه» روزهای دشتان و زایمان و ریمن خود روبرو است.

اما شایسته است که ما را بیشتر با بخش دینی اوستاکار باشد زیرا آن بیخ و بنیاد است، نه راه و روش‌هایی که با مکان و زمان، جاه و جلال، آموزش و آمیزش، پندار و انگار در دین رخنه می‌کنند و در این میان بسی داد و بیداد و حق و نا حق در هم برهم می‌گردند.

پس بیاییم و با فروردین یشت، این دفتر کهن ارجگذاری نمونه، هم‌تا گردیم:
 ... مردان و زنان راستکار را گرامی می‌داریم... که دین می‌آموزند و در انجام کار کامیاب شده‌اند، می‌شوند یا خواهند شد... که در گستردن آیین راستی و رساندن پیام اندیش‌انگیز خدایی و در پیشرفت روح و روان و هر آنچه نیکو است، کامیاب شده‌اند... که سبب آبادانی خانه و برزن و شهر و کشور شده‌اند... که سبب پیروزی راستی و درستی شده‌اند...

(بندهای ۱۴۹ تا ۱۵۵)